

## نظریه اخلاق زیست محیطی اسلام

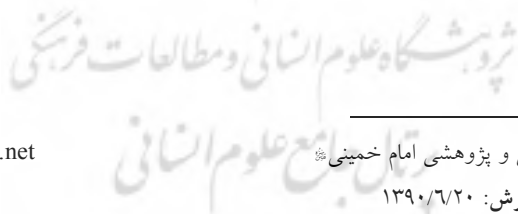
### با تأکید بر آرای استاد مصباح یزدی

محمود فتحعلی\*

#### چکیده

انسان افزون بر رابطه با خداوند، با خود و با انسان‌های دیگر، با محیط زیست<sup>۱</sup> نیز رابطه دارد، از این رو، مجموعه‌ای از احکام و دستورالعمل‌های اخلاقی درباره رفتار او با محیط زیست وجود دارد که آن را «اخلاق محیط زیست»<sup>۲</sup> نام نهاده‌اند. در این نوشتار، تلاش شده تا پس از بیان نکات مقدماتی همانند تعریف محیط زیست، مشهورترین نظریات در باب اخلاق محیط زیست و تأثیر جهان‌بینی در اتخاذ این نظریات، به اهم مبانی اخلاق زیست محیطی اسلام با تأکید بر آرای استاد مصباح به اختصار اشاره نموده، برخی فضایل، احکام و مصادیق اخلاقی در این باب را بیان کنیم.

کلید واژه‌ها: اخلاق، محیط زیست، اسلام، شأن، ارزش، مسؤلیت



## مقدمه

«به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است، تا [خدا سزای] بعضی از آنچه را که کرده‌اند به آنان بچشانند، باشد که بازگردند». (روم: ۴۱)

«و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند. پس به [کیفر] دستاوردها [گریبان] آنان را گرفتیم». (اعراف: ۹۶).

«و اگر آنان به تورات و انجیل و آنچه از جانب پروردگارشان به سویشان نازل شده است، عمل می‌کردند، قطعاً از بالای سرشان [برکات آسمانی] و از زیر پاهایشان [برکات زمینی] برخوردار می‌شدند. از میان آنان، گروهی میانه‌رو هستند، و بسیاری از ایشان بد رفتار می‌کنند». (مائده: ۶۶)

تقدیر حکیمانه‌ی الهی بر آن قرار گرفته است که انسان خلق شده از نطفه‌ی ناچیز،<sup>۳</sup> واجد روحی الهی گردد<sup>۴</sup> و از مسیر زندگی در این زمین خاکی و آزمایش‌های همیشگی و گوناگون،<sup>۵</sup> با بهره‌گیری از معارف و حیانی<sup>۶</sup> و ظرفیت‌هایی همچون عقل و قدرت انتخاب،<sup>۷</sup> به کمال مطلوب، که همان قرب الهی است، برسد.<sup>۸</sup> بررسی زمین و هرچه در آن است و این جهان مادی در اختیار او قرار گرفته و او می‌تواند از آنها بهره بگیرد.<sup>۹</sup> اما پرسش بسیار مهم و اساسی مربوط به چگونگی این بهره‌گیری است.

امروزه، بیش از هر عصر دیگری، بحران‌های بزرگ زیست‌محیطی گریبانگیر زمین شده است.<sup>۱۰</sup> ۱۶۰۰ تن از دانشمندان برجسته‌ی جهان، در بیانیه‌ای، که «اتحادیه‌ی دانشمندان متعهد» با عنوان «دانشمندان جهان به بشریت هشدار می‌دهند»، در سال ۱۹۹۲ منتشر ساخت، اعلام کردند که «رفتارهای ویرانگر انسان معاصر به جایی رسیده است که ممکن است جهان زنده چنان دگرگون شود که دیگر نتواند حیات را، به شیوه‌ای که برای ما آشناست، تأمین کند». در قسمت دیگری از این بیانیه آمده است: «اخلاق جدیدی لازم است، این اخلاق باید حرکت عظیمی برانگیزد، باید رهبران بی‌میل و انگیزه، حکومت‌های بی‌میل و انگیزه و انسان‌های بی‌میل و انگیزه را وادارد تا تغییرات لازم را ایجاد کنند». <sup>۱۱</sup> اما سؤال این است که چرا کار انسان و طبیعت به اینجا رسیده است؟

رشد و پیشرفت چشمگیر و روزافزون علم و فناوری در دو قرن اخیر، توانایی انسان را بر تسلط بر محیط زیست، طبیعت و تصرف در آن و بهره‌گیری هرچه بیشتر، افزون ساخته

است. در حالی که، نظام‌های حاکم بر بیشتر جوامع، پیرو یا متأثر از اندیشه سرمایه‌داری غرب‌اند؛ اندیشه‌ای که به اصالت انسان، اصالت سود،<sup>۱۲</sup> اصالت لذت<sup>۱۳</sup> و اصالت آزادی<sup>۱۴</sup> معتقد است. براساس این اصول، انسان بریده از خدا یا دشمن خدای متعال و متکی بر عقل جزئی‌نگر ناقص و خطاکار و علم و فناوری هدایت نشده، خود را در دستیابی به سود و لذت هرچه بیشتر، رها می‌بیند. به تعبیر زیبا و دقیق قرآن کریم: «آنها همانند چار پایان‌اند بلکه گمراه‌ترند». (اعراف: ۱۷۹)

از این رو، اینکه گفته می‌شود بحران‌های محیط زیستی، یک‌سره پیامد رفتارهای برخاسته از چنین اندیشه‌ای است، سخن گزافی نیست. از میان رفتن جنگل‌ها و سبزه‌زارها، آلودگی آب، خاک، هوا و کاهش منابع طبیعی در کنار از دست رفتن ارزش‌های والای الهی، معنوی و اخلاقی و افزایش انواع بزهکارهای فردی و اجتماعی، ازدیاد انواع بیماری‌های تنی، روانی، و روان‌تنی، تنها نمونه‌هایی از پیامدهای ناخوشایند این نوع نگرش است.<sup>۱۵</sup>

به همین دلیل، مطرح شدن نیاز به اخلاقی جدید و رشته‌ای به نام «اخلاق محیط زیست» روشن‌تر می‌شود. رفتار انسان، به‌ویژه در دو قرن گذشته، با طبیعت و محیط زیست، رفتاری نامناسب بوده است. در صورت تداوم این رفتار، به‌زودی شاهد از بین رفتن طبیعت و محیط زیست و در نتیجه، نابودی انسان خواهیم بود؛ زیرا حیات و زندگی انسان بدون طبیعت و محیط زیست در این کره خاکی ناممکن است.

پیشینه بحث درباره چگونگی رفتار انسان با موجودات دیگر، به‌ویژه حیوانات، به یونان باستان بازمی‌گردد. اما در دو قرن اخیر، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، این بحث بار دیگر مطرح گردید. در هفتاد سال گذشته، در باب محیط زیست و مباحث مربوط به آن از جمله اخلاق، صدها کتاب و مقاله تألیف، و ده‌ها همایش ملی و بین‌المللی در این باره برگزار شده است.<sup>۱۶</sup>

از این رو، ابتدا لازم است «محیط زیست» و «اخلاق محیط زیست» را تعریف کنیم.

### تعریف محیط زیست

«محیط زیست» در معنای عام، مکان و فضایی است که در آن، زیستن وجود دارد. از این رو، محیط زیست انسان یعنی مکان و فضایی که در آن زندگی می‌کند. از آنجاکه زیستن و زندگی انسان، ابعاد و شئون گوناگون دارد، محیط زیست انسان نیز می‌تواند به اقسام

گوناگون تقسیم شود. از جمله این اقسام، می‌توان به محیط زیست دینی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و طبیعی اشاره کرد. از این رو، مراد ما از «محیط زیست»، محیط زیست طبیعی است.

اندیشمندان برای محیط زیست طبیعی، تعاریفی بیان کرده‌اند که وجه مشترک این تعاریف عبارت است از: مجموعه عوامل و عناصر طبیعی غیرانسانی، که میان آنها و زیست انسان، به معنای عام تأثیر و تأثر برقرار است. این مجموعه، شامل اشیاء و امور بی‌جان نظیر زمین، خاک، آب، هوا، فضا و اشیاء امور جاندار همچون گیاهان و حیوانات می‌شود.<sup>۱۷</sup> از این رو، می‌توان گفت: اخلاق محیط زیست دربارهٔ چگونگی رفتار انسان با امور مذکور بحث می‌کند.

### رابطه جهان بینی و اخلاق محیط زیست

نظریات اخلاقی، مبتنی بر جهان بینی هستند. و نوع نگاه به هستی، طبیعت و انسان در طراحی و سامان یافتن نظریه اخلاقی، تأثیر قطعی و عمیق دارد. بنیادی‌ترین و مهم‌ترین پرسش‌های پیش روی آدمی عبارتند از: آیا هستی آفریننده‌ای دارد؟ آیا هستی هدف و غایتی دارد؟ آیا هستی به امور مادی محدود است، یا امور غیرمادی نیز وجود دارد؟ آیا طبیعت دارای ارزش است؟ رابطه طبیعت و انسان چگونه است؟ آیا طبیعت می‌تواند بر انسان حق داشته باشد؟ آیا انسان فقط جسم است، یا روح نیز دارد؟ آیا حقیقت انسان، به جسم اوست و یا به روح او؟ آیا انسان کمال‌پذیر است؟ کمال انسان، کدام است؟ و از چه طریق و چگونه می‌تواند آن را بشناسد و به آن دست یابد؟ آیا انسان، جهان دیگر را نیز تجربه خواهد کرد؟ پاسخ به این پرسش‌ها، بیانگر نوع نگاه یا جهان بینی انسان است.

در یک تقسیم‌بندی ساده، می‌توان دو نوع جهان بینی را از هم بازشناخت: جهان بینی مادی و جهان بینی الهی. پاسخ جهان بینی مادی، به پرسش‌های بنیادین مذکور به‌اختصار به قرار زیر است:

هستی بر اثر تصادف و بدون هیچ هدف، طرح، تدبیر و خالق پدید آمده و همه موجودات عناصری مادی، محدود و فناپذیر، فاقد ارزش و قداست هستند. انسان نیز؛ که چیزی جز جسم نیست، اگر کمالی داشته باشد، در همین بُعد جسمانی است. از این نظر، تفاوتی با سایر حیوانات ندارد. او نیز مدتی در این جهان به سر می‌برد و با مرگ نابود می‌شود. در نتیجه، باید در مدت کوتاه زندگی خود، از طبیعت بهره و لذت ببرد و در این زمینه هیچ محدودیتی ندارد، جز آنچه برای کام‌جویی‌اش زیان‌بار باشد.

بررسی تفصیلی و یا اجمالی همه ویژگی‌ها و شاخصه‌های جهان‌بینی مادی، مجال دیگری می‌طلبد<sup>۱۸</sup> از این رو، ابتدا به اختصار، به پنج نظریه اساسی و مهم در باب ارزش موجودات طبیعی و شأن اخلاقی<sup>۱۹</sup> و حق اخلاقی<sup>۲۰</sup> آنها اشاره نموده، سپس، اهم مبانی اخلاقی زیست محیطی اسلام را، با تکیه بر قرآن کریم تبیین می‌کنیم و براساس آن، چارچوب نظریه اخلاقی زیست محیطی اسلام را ترسیم می‌نماییم. در پایان، برخی از فضایل و احکام و مصادیق مربوط به محیط زیست را یادآور می‌شویم.

### نظریات اخلاق محیط زیست

بنیادی‌ترین پرسش در باب اخلاق محیط زیست، این است که چه موجودات یا کدام دسته از موجودات از ارزش و به تبع آن، از شأن و حق اخلاقی برخوردارند؟ در پاسخ به این پرسش بنیادی، نظریات اخلاقی محیط زیست گوناگون پدید آمده که در اینجا به اختصار به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

#### ۱. نظریه انسان‌مدار<sup>۲۱</sup>

نظریه انسان‌مدار معتقد است که از میان موجودات طبیعی، فقط انسان دارای ارزش یا ارزش ذاتی است.<sup>۲۲</sup> در نتیجه فقط انسان دارای شأن و حق اخلاقی است و سایر موجودات طبیعی، یا بی‌ارزش‌اند یا حداکثر دارای ارزش ابزار دارند.<sup>۲۳</sup> بنابراین، فقط انسان دارای شأن اخلاقی و به تبع آن، دارای حق اخلاقی است. بنابراین، انسان‌ها باید به حق اخلاقی یکدیگر احترام گذاشته و آن را رعایت کنند. اما از آنجاکه سایر موجودات طبیعی فاقد ارزش یا فاقد ارزش ذاتی‌اند، فاقد شأن و حق اخلاقی‌اند و انسان هرگونه که با آنها رفتار کند، به لحاظ اخلاقی اشکالی ندارد.

#### ۲. نظریه حیوان‌مدار<sup>۲۴</sup>

طرفداران نظریه حیوان‌مدار، افزون بر انسان، برای حیوانات نیز قایل به ارزش و در نتیجه، شأن و حق اخلاقی‌اند. از این رو، از انسان‌ها می‌خواهند که به شأن و حقوق حیوانات احترام گذاشته و حقوق آنها را رعایت نمایند.

#### ۳. نظریه زیست (حیات) مدار<sup>۲۵</sup>

نظریه زیست‌مدار، بر این باور است که همه موجودات زنده، اعم از انسان، حیوان و گیاه دارای ارزش و در نتیجه، دارای شأن و حق اخلاقی‌اند. از این رو، انسان نه تنها در برابر انسان‌ها و حیوانات، بلکه در برابر گیاهان مسئولیت اخلاقی دارد.

**۴. نظریه بوم‌مدار<sup>۲۶</sup>**

براساس نظریه بوم‌مدار، همه موجودات کره زمین با ارزش، و به تبع دارای شأن و حق اخلاقی‌اند. به همین دلیل، انسان در برابر همه موجودات زمینی، اعم از انسان‌های دیگر، حیوانات، گیاهان و جمادات مسئول است.

**۵. نظریه عالم‌مدار<sup>۲۷</sup>**

در این نظریه، همه موجودات عالم ارزشمند بوده، دارای شأن و حق اخلاقی‌اند. در نتیجه، انسان در برابر همه موجودات عالم مسئولیت دارد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این نظریات اخلاق زیست‌محیطی، به صورت طیفی از کم‌دامنه (انسان‌مدار) تا بیشترین دامنه (عالم‌مدار) گسترش دارند.<sup>۲۸</sup> از دیدگاه اسلام، همه مخلوقات عالم با ارزش‌اند. ارزش آنها به مقدار بهره‌ای است که از کمالات وجودی دارند. البته از آنجا که شأن و ارزش اخلاقی، فقط مربوط به موجوداتی است که دارای توانایی انتخاب آگاهانه هستند، فقط انسان دارای شأن و ارزش اخلاقی است. در عین حال، نسبت به همه موجودات مسئولیت دارد. برای آشنایی بیشتر با دیدگاه اسلام در این زمینه، لازم است، به اهم مبانی اسلام در باب انسان و جایگاه او در هستی و طبیعت و رابطه آنها براساس قرآن کریم اشاره کنیم.

**انسان و جایگاه او از منظر قرآن کریم**

هرچند تعبیر آیات قرآن کریم، در باب منشأ و ماده اولیه آفرینش انسان، متفاوت است. و این آیات زمین (ارض)، خاک (تراب)، گل خشکیده (صلصال)، گل (طین)، آب (ماء) و نطفه را به عنوان ماده اولیه آفرینش انسان معرفی نموده، اما با تأمل در این آیات، به خوبی می‌توان دریافت که خداوند متعال ماده اولیه آفرینش انسان را از طبیعت برگزیده است. در اینجا، از باب نمونه در هر مورد به یک آیه اشاره می‌کنیم:

«او شما را از زمین آفرید». (هود: ۶۱)؛ «به راستی ما شما را از خاک آفریدیم». (حج: ۵)  
 «و همانا انسان را از گل خشکیده که از گل بدبو گرفته شده بود آفریدیم». (حجر: ۲۶)  
 «اوست آن که شما را از گل آفرید». (انعام: ۲) «او کسی است که از آب انسانی را آفرید، سپس او را [دارای] نسب و سبب قرار داد». (فرقان: ۵۴ و نور: ۴۵) «انسان را از نطفه آفرید». (نحل: ۴ و یس: ۷۷)

از نگاه قرآن کریم، آفرینش انسان در چند مرحله صورت گرفته که مهم‌ترین این مراحل، نفخ روح به جسم و کالبد انسان است. «هرآینه ما انسان را از چکیده‌ای از گل آفریدیم، سپس او را نطفه‌ای در قرارگاه استواری قرار دادیم، سپس نطفه را خون بسته ساختیم، پس خون بسته را [چونان] گوشتی جویده آفریدیم، پس آن گوشت را استخوان ساخته، آنگاه استخوان را گوشت پوشاندیم، سپس او را در آفرینش دیگر پدید آوردیم». (مؤمنون: ۱۲-۱۴) «من از گل خشکیده‌ای که از گل بدبویی گرفته شده، بشری می‌آفرینم، پس هنگامی که او را موزون ساختم و در او از روح خود دمیدم، برای او سجده کنید». (حجر: ۲۸-۲۹؛ ص: ۷۱-۷۲)

از این آیات، چند نکته بسیار مهم استفاده می‌شود:

الف. آفرینش انسان با دمیدن روح در او کامل و تمام می‌شود. انسان افزون بر بُعد جسمی، دارای بُعد روحی است. انسانیت انسان به روح اوست، نه به جسم او؛<sup>۲۹</sup> زیرا در بُعد جسمانی، تفاوتی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد. برخی از صاحب‌نظران و مفسران، کاربرد واژه «ثم» در آیه شریفه مؤمنون را برای دلالت بر همین معنا می‌دانند.<sup>۳۰</sup>

ب. روح امری غیرمادی است و پس از مرگ نیز باقی است.<sup>۳۱</sup> از منظر قرآن کریم، انسان موجودی مختار و توانا بر انتخاب آگاهانه است. آیه زیر به روشنی بر این مطلب اشاره می‌کند: «بگو: حق از سوی پروردگار شماس، هرکس می‌خواهد ایمان بیاورد و هرکس می‌خواهد کافر گردد». (کهف: ۲۹ و ۴۲)

مفاد برخی آیات نیز گواه و مستلزم مختار بودن انسان‌اند. از جمله این آیات، می‌توان به آیاتی اشاره کرد که دلالت بر آزمایش و ابتلای انسان دارند، یا در آنها بشارت و انذار یا عهد و میثاق وجود دارد: «ما انسان را از نطفه آمیخته‌ای آفریدیم و او را می‌آزماییم. [بدین جهت] او را شنوا و بینا قرار دادیم». (دهر: ۲؛ کهف: ۷) «مردم یک دسته بودند، خداوند پیامبران را مبعوث کرد تا مردم را بشارت و بیم دهند». (بقره: ۲۱۳؛ فاطر: ۲۴) «آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید که او برای شما دشمن آشکاری است؟» (یس: ۶۰؛ بقره: ۸۳)

وجه دلالت این آیات بر مختار بودن انسان، آن است که اگر انسان مختار نباشد، ابتلا و آزمایش، بشارت و انذار، عهد و میثاق معنا پیدا نخواهند کرد.<sup>۳۲</sup> قرآن کریم بر این اساس که انسان را موجودی مختار می‌داند، او را مسئول می‌شناسد. «سپس در آن روز (همه شما) از

نعمت‌هایی که داشته‌اید بازپرسی خواهید شد». (تکائر: ۸) «و آنها را نگه‌دارید که آنها مسئول‌اند». (صافات: ۲۴)

از نظر قرآن، کمال انسان در گرو انجام کارهای اختیاری است. آن هنگام که انسان بر غرایز و جاذبه‌های گوناگون درونی پیروز می‌شود و خواسته‌ای را فدای خواسته‌ای دیگر می‌کند و کاری بر کار دیگر ترجیح می‌دهد، ارزش اختیاری پدید می‌آید. این نوع ارزش است که موجب کمال انسان می‌گردد. حقیقت ارزش اخلاقی نیز از همین سنخ است. روشن است که از میان مخلوقات، فقط انسان است که از توانایی انتخاب آگاهانه و نه غریزی یا طبیعی برخوردار است. از این‌رو، بحث از ارزش، حق و مسئولیت اخلاقی، فقط درباره انسان معنا و مفهوم دارد.<sup>۳۳</sup>

از نگاه قرآن، برای آنکه کار دارای ارزش اخلاقی شود، باید برخاسته از ایمان به خداوند و روز قیامت و در چارچوب دستورات شرع مقدس اسلام باشد.<sup>۳۴</sup> در غیر این صورت، یا فاقد ارزش اخلاقی خواهد بود، یا ارزش آن به اندازه‌ای نخواهد بود که انسان را به سعادت و کمال نهایی، که همان قرب خداوند است، برساند.<sup>۳۵</sup>

چند نکته از قرآن کریم درباره جایگاه انسان در خلقت به دست می‌آید؛ نخست اینکه، خداوند انسان را جانشین خود در زمین قرار داده است: «من در روی زمین جانشینی قرار خواهم داد». (بقره: ۳۰) البته باید توجه داشت که مقام خلافت الهی مخصوص کسانی است که علم جامع داشته باشند، مانند پیامبران و امامان علیهم‌السلام، نه همه انسان‌ها، حتی انسان‌های پلید و شریر.<sup>۳۶</sup>

دوم اینکه انسان به لحاظ شرافت و کرامت، در مقایسه با سایر مخلوقات است. با دقت در آیات قرآن کریم درباره این موضوع به چند نکته می‌توان دست یافت:<sup>۳۷</sup>

الف. از آنجاکه انسان این توانایی را دارد که از همه مخلوقات در جهت اهداف خود بهره بگیرد، درحالی که سایر مخلوقات از چنین توانایی برخوردار نیستند. از این‌رو، انسان دارای نوعی کرامت تکوینی نسبت به سایر مخلوقات است: «ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم». (اسراء: ۷۰)

ب. از آنجاکه انسان توانایی عقل‌ورزی و انتخاب آگاهانه و استعداد کمال‌یابی بی‌نهایت را دارد، بر سایر مخلوقات برتری و شرافت دارد. «ای انسان تو در راه پروردگارت سخت تلاش می‌کنی و بالاخره او را دیدار خواهی کرد». (انشقاق: ۶)



ج. اگر انسان از نعمت‌هایی که خداوند در اختیارش نهاده، استفاده نکند یا استفاده نادرست کند، از حیوانات نیز پست‌تر خواهد شد: «راستی که انسان بسیار ستمگر و بسیار ناسپاس است». (ابراهیم: ۳۴) «آنها همچون چهارپایان‌اند، بلکه گمراه‌تر». (اعراف: ۱۷۹)

نکته دیگر، امانت‌دار بودن انسان است: «ما (آن) امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، پس از برداشتن آن سر باز زدند و هراسیدند و [لی] انسان آن را برداشت. به راستی که او بسیار ستمکار و نادان است». (احزاب: ۷۲) امانت مطرح‌شده در این آیه، هرگونه تفسیر شود، بی‌رابطه با انتخاب، اختیار و تکلیف نیست. این همان مسئولیت آدمی در برابر خدای بزرگ است.<sup>۳۸</sup>

قرآن کریم هدف از خلقت انسان را رسیدن به کمال نهایی، که همان قرب الی الله است، معرفی می‌کند. راه رسیدن به این هدف را به کار گرفتن همه ظرفیت‌ها و استعدادها و امکانات (نعمت‌ها و موهبت‌های الهی)، در جهت صحیح و مطابق با خواست و دستور شارع مقدس و موفقیت در آزمایش‌ها و در یک کلام، عبادت و بندگی خالصانه می‌داند: «و جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه عبادتم کنند». (ذاریات: ۵۶) «او کسی است که شما را خلیفه‌های زمین قرار داد و برخی را به درجاتی بر بعضی دیگر برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده آزمون کند». (انعام: ۱۶۵) «کسی که موت و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان خوش‌رفتارترید». (ملک: ۲)

از آنچه در باب انسان بیان شد، می‌توان گفت: خداوند متعال انسان را از عناصر طبیعی آفرید و در آخرین مرحله آفرینش او، از روح خود در او دمید. حقیقت انسان که همان روح غیرمادی است، حیات جاویدان دارد و با مرگ از بین نمی‌رود. انسان موجودی دارای اختیار و توانایی انتخاب آگاهانه است. به دلیل همین، ویژگی است که در برابر رفتارهای خود مسئول است. کمال انسان، از راه انجام دادن اعمال اختیاری به دست می‌آید. رفتارهای انسان هنگامی ارزش پیدا می‌کند که براساس ایمان به خدا و قیامت و در چارچوب شرع مقدس و از روی اختیار و انتخاب آگاهانه انجام شوند. هدف از خلقت انسان، رسیدن به مقام بندگی و قرب الهی است که با عبادت و موفقیت در آزمایش‌های گوناگون به دست می‌آید. ارزش هر کار، به مقداری است که انسان را به خدا نزدیک می‌کند یا از او دور می‌سازد. آدمی اگر از توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود به‌خوبی بهره‌گیرد، می‌تواند از همه مخلوقات برتر شود و اگر نادرست بهره بگیرد، ممکن است از چهارپایان نیز فرومایه‌تر

گردد. خداوند همه نعمت‌ها و سرمایه‌های لازم، از جمله مواهب طبیعی، را برای دستیابی به کمال در اختیار انسان نهاده و انسان باید از این نعمت‌ها و مواهب، به مثابه امانت‌های الهی به درستی بهره گرفته و از آنها نگه‌داری کند.

تا اینجا به اختصار دیدگاه قرآن کریم درباره مهم‌ترین ویژگی‌های انسان بیان شد. اینک به ویژگی‌های مهم هستی، طبیعت و محیط زیست و رابطه آنها با انسان، که در شکل‌دهی نظریه اخلاق زیست‌محیطی اسلام نقش دارند، اشاره می‌کنیم.

### هستی و محیط زیست طبیعی در نگاه قرآن

۱. جهان هستی و طبیعت مخلوق و مملوک خداوند است: <sup>۳۹</sup> «آفریننده هر چیزی». (انعام: ۱۰۱؛ فرقان: ۲)؛ «این است پروردگار شما! هیچ معبودی جز او نیست، آفریدگار همه چیز». (انعام: ۱۰۲؛ غافر: ۶۲)؛ «برای خداست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است». (نجم: ۳۱)

۲. بر جهان هستی و طبیعت قوانین و سنت‌های الهی حاکم است: «و هر چیزی را آفرید، و بدان‌گونه که درخور آن بود اندازه‌گیری کرد». (فرقان: ۲)؛ «و خورشید که به قرارگاه خود روان است، این تقدیر آن عزیز دانا است». (یس: ۳۸)؛ «و برای ماه منزل‌ها معین کردیم تا دوباره به صورت هلال، مانند خوشه خرما می‌کهنه درآید». (یس: ۳۹)؛ «و آفتاب و ماه را به خدمت گرفته که هر یک به مدتی معین روان است». (لقمان: ۲۹؛ اعراف: ۳۴)

۳. جهان هستی و طبیعت دارای غایت است و براساس تدبیر حکیمانه الهی اداره می‌شود: <sup>۴۰</sup> «خداوند کسی است که آسمان‌ها را بدون ستونی که ببینید برافراشته، سپس به عرش استیلا یافت و خورشید و ماه را به خدمت گرفت، که هر یک در مدتی معین سیر می‌کنند. کارها را او تدبیر می‌کند و آیات را او توضیح می‌دهد...». (رعد: ۲)

۴. همه اجزای عالم هستی، از جمله طبیعت و انسان به هم پیوسته و دارای نظامی هماهنگ و موزون‌اند: <sup>۴۱</sup> «در آفرینش خدای رحمان هیچ خلل و بی‌نظمی نمی‌بینی، پس بار دیگر نظر کن، آیا هیچ فطور و اختلالی در نظام عالم به چشم می‌خورد؟» (ملک: ۳۲)؛ «و زمین را گسترديم و در آن کوه‌های عظیم افکنديم و از هر چیز به شیوه‌ای سنجیده در آن رویانیدیم». (حجر: ۱۹)؛ «اوست که شب و روز و آفتاب و ماه را که هر یک در فلکی شناورند، بیافرید». (انبیاء: ۳۳)

۵. هستی و طبیعت در احاطه خداوند است و خداوند حافظ و نگه‌دار آن است: «و خداوند بر هر چیزی احاطه دارد». (نساء: ۱۲۶) «(به یاد آور) زمانی که به تو گفتیم: پروردگارت احاطه کامل به مردم دارد». (اسراء: ۶۰)؛ «خداوند آسمان‌ها و زمین را از گسستن بازمی‌دارد و اگر بگسلند، جز وی کسی بازشان نمی‌تواند داشت؛ او بردبار و بخشاینده است» (فاطر: ۴۱)؛ «و آن (آسمان) را از هر شیطان رانده‌شده، در پناه گرفتیم». (حجر: ۱۷)

۶. عالم طبیعت افزون‌بر جنبه ملکی و دنیوی دارای بعد ملکوتی و معنوی است: «غیب آسمان‌ها و زمین از آن اوست» (کهف: ۲۶)؛ «بدین‌سان به ابراهیم ملکوت آسمان‌ها و زمین را نشان دادیم تا از اهل یقین گردد» (انعام: ۷۵)؛ «و خزائن همه چیز، تنها نزد ماست» (حجر: ۲۱)؛ «منزه است آن خدایی که ملکوت هر چیزی به دست اوست و همه به سوی او بازگردانده می‌شوید» (یس: ۸۳؛ سجده: ۶)؛ «آیا در ملکوت آسمان‌ها و زمین و آنچه خدا آفریده دقت نمی‌کنید». (اعراف: ۱۸۵)

۷. موجودات هستی و طبیعت از نوعی شعور و هوشمندی برخوردارند.<sup>۴۲</sup>

آیات بسیاری از قرآن کریم بر شعور و هوشمندی موجودات طبیعی دلالت دارند. «پروردگار تو به زنبور عسل وحی کرد» (نحل: ۶۸)؛ «و گفته شد: ای زمین آب خود را فرو بر و ای آسمان باز ایست» (هود: ۴۴)؛ «اگر این قرآن را بر کوه نازل می‌کردیم، از خوف خدا، آن را ترسیده و شکاف‌خورده می‌دید» (حشر: ۱۱)؛ «ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، پس، از برداشتن آن سر باز زدند». (احزاب: ۷۲)

۸. عالم هستی و طبیعت تجلی و آیت خداوند است:<sup>۴۳</sup> «شب و روز را دو آیت از آیات خدا قرار دادیم. آیت شب را تاریک گردانیدیم و آیت روز را روشن» (اسراء: ۱۲)؛ «زود باشد که آیات قدرت خود را در آفاق و در وجود خودشان به آنها نشان دهیم تا برایشان آشکار شود که او حق است». (فصلت: ۵۳)

۹. عالم هستی به حق آفریده شده، نه به باطل و بازیچه:<sup>۴۴</sup> «آسمان‌ها و زمین را و آنچه میان آنهاست، بیهوده نیافریدیم» (دخان: ۳۸)؛ «اوست که آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید». (انعام: ۷۳؛ حجر: ۸۵)

از این آیات به خوبی به دست می‌آید که هستی و طبیعت بیهوده و پوچ آفریده نشده‌اند، بلکه هدف‌دار و بامعنا هستند.<sup>۴۵</sup>

### رابطه انسان و طبیعت از دیدگاه قرآن

۱. طبیعت ماده اولیه خلقت انسان است: «هرآینه ما انسان را از چکیده‌ای از گل آفریدیم» (مؤمنون: ۱۲)؛ «او کسی است که شما را از خاک آفرید». (مؤمن: ۶۷ و حجر: ۲۶)
۲. خداوند طبیعت را مسخر و رام انسان ساخته است. «و آفتاب و ماه را که همواره در حرکت اند به خدمت شما گماشت و شب و روز را مسخر شما گردانید» (ابراهیم: ۳۳)؛ «و مسخر شما کرد شب و روز و خورشید و ماه را، و ستارگان همه فرمانبردار امر او هستند». (نحل: ۱۲ و ۱۴)
۳. طبیعت برای انسان خلق شده و همه انسان‌ها حق دارند از آن استفاده کنند. «اوست که همه چیزهایی را که در روی زمین است برایتان بیافرید» (بقره: ۲۹)؛ «در زمین جایگاهتان دادیم و راه‌های معیشتتان را در آن قرار دادیم». (اعراف: ۱۰)
۴. زمین بستر آرامش و آسایش، رشد و شکوفایی انسان است. «آن‌که زمین را برای شما بستر آرامش قرار داد» (بقره: ۲۲)؛ «آن‌که زمین را برای شما جای آرامش و راحتی قرار داد» (طه: ۵۳)؛ «اوست آن‌که زمین را برای شما رام ساخت پس به نواحی آن روان شوید». (ملک: ۱۵)

از مجموع آنچه درباره هستی و طبیعت و رابطه آنها با انسان بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت: جهان هستی، که مخلوق و مملوک خداوند حکیم است، براساس حق و قوانین و سنت‌های الهی اداره می‌شود و به سوی غایتی ارزشمند در حرکت است. همه اجزای عالم هستی، از جمله طبیعت و انسان، ارزشمند، به هم پیوسته و دارای نظامی هماهنگ و موزون بوده، در احاطه کامل خداوند قرار دارند. همچنین افزون بر بُعد مِلکی و دنیوی، دارای بُعد ملکوتی و معنوی هستند و از نوعی شعور و هوشمندی برخوردارند. عالم هستی و طبیعت، که تجلی و آیت خداوند و راهی برای شناخت حق تبارک و تعالی هستند، به‌حق آفریده شده و پوچی و بی‌معنایی در آن راه ندارد. طبیعت ماده اولیه خلقت انسان و مسخر، رام و بستر آرامش، آسایش و زمینه شکوفایی و آمادگی برای حیات اخروی همه انسان‌هاست. براساس مبانی مربوط به انسان و طبیعت و رابطه آنها از دیدگاه قرآن و برخی مبانی ارزش‌شناختی اسلام،<sup>۴۶</sup> می‌توان چارچوب نظریه اخلاق محیط زیستی اسلام را به‌اختصار چنین بیان کرد:

۱. نظام هستی، که طبیعت و انسان اجزایی از آن هستند، مخلوق و مملوک خداوند متعال است و با تدبیر حکیمانه او به طور کامل حفظ و اداره می‌شود؛
۲. این نظام، که غایت و هدفی حکیمانه و مشخص دارد، نظامی هماهنگ و موزون است. همه اجزای آن براساس قوانین و سنت‌های تغییرناپذیر الهی با هم پیوسته و مرتبط‌اند و با یکدیگر تعامل دارند؛
۳. همه اجزای هستی، از جمله طبیعت و انسان، به بیان فلسفی، به مقدار بهره وجودی،<sup>۴۷</sup> و به بیان کلامی، به مقدار افاضه و عنایتی که خداوند به آنها نموده است، ارزشمندند؛
۴. نوع بشر، با توجه به توانایی‌ها و استعدادهایی که خداوند به او عنایت فرموده است، برترین مخلوقات خداوند است؛
۵. خداوند طبیعت را در جهت تأمین مصالح انسان، مسخر او نموده و به انسان حق تصرف و استفاده از آن را در جهت دستیابی به کمال نهایی‌اش اعطا فرموده است؛
۶. توانایی عقل‌ورزی، اختیار و انتخاب آگاهانه و کمال‌یابی بی‌نهایت، زمینه مسئولیت انسان را در برابر همه نعمت‌هایی که خداوند به او ارزانی داشته، فراهم کرده است؛
۷. اگر انسان از توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و نعمت‌های خدادادی، به‌درستی و مطابق دستورهای الهی، بهره بگیرد به کمال نهایی و قرب الهی نایل می‌گردد. در غیر این صورت، حتی از چهارپایان نیز فرومایه‌تر خواهد شد؛
۸. ارزش دارای اقسام و انواع است؛<sup>۴۸</sup>
۹. ارزش دارای مراتب است؛<sup>۴۹</sup>
۱۰. شأن، ارزش، حق و مسئولیت اخلاقی، از میان مخلوقات، فقط به انسان اختصاص دارد؛<sup>۵۰</sup> زیرا فقط او دارای قدرت اختیار و انتخاب و هدف آگاهانه است.<sup>۵۱</sup> سایر مخلوقات، هرچند از نوعی شعور، آگاهی و انتخاب برخوردارند، اما این شعور و آگاهی و انتخاب، طبیعی یا غریزی است و آن گونه نیست که موجب شأن، ارزش، حق، و مسئولیت اخلاقی برای آنها شود؛
۱۱. مسئولیت اخلاقی انسان در برابر طبیعت، برحسب فضیلت امانت‌داری و جانشینی او در زمین و نیز به موجب قاعده تلازم میان حق و تکلیف،<sup>۵۲</sup> در قبال حق تصرف و بهره‌برداری از طبیعت است؛ حقی که خداوند به انسان عنایت فرموده است؛

۱۲. از آنجا که هستی، از جمله طبیعت و انسان، ملک خداوند متعال هستند،<sup>۵۳</sup> انسان باید با رضایت و اذن خداوند و مطابق با دستورها و احکام الهی در طبیعت تصرف نموده و از آن بهره بگیرد. از این رو، انسان نمی‌تواند هرگونه که بخواهد با طبیعت و محیط زیست رفتار کند و هر مقدار که بخواهد از آن استفاده کند، بلکه باید براساس ضوابط و به مقداری که برای بقا، رشد و کمال حقیقی او ضرورت دارد، در طبیعت تصرف و از آن استفاده کند. از هرگونه اسراف، تبذیر، تخریب و افساد به شدت بپرهیزد.<sup>۵۴</sup>

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، براساس چهارچوب نظری اخلاق محیط زیست اسلامی، نظریه اسلام در باب اخلاق محیط زیست، نظریه واقع‌بینانه، خردپذیر، معتدل و متکی بر مبانی و آموزه‌های مستدل است. این نظریه، از سویی همه موجودات و مخلوقات عالم را با ارزش می‌داند. از سوی دیگر، ارزش، حق و مسئولیت اخلاقی را از اختصاصات انسان برمی‌شمارد. نه مانند نظریه انسان‌مدار است که فقط انسان را با ارزش بداند و سایر مخلوقات را بی‌ارزش تلقی کند. دست انسان را در هرگونه تصرف در طبیعت کاملاً باز بگذارد، نه مانند نظریه عالم‌مدار است که همه موجودات عالم را دارای حق و مسئولیت اخلاقی قلمداد کند. اگر انسان را شریف‌ترین مخلوقات می‌داند، او را در برابر همه موجودات مسئول نیز به حساب می‌آورد.

### برخی فضایل اخلاقی، احکام و مصادیق زیست‌محیطی در قرآن و روایات

#### الف. فضایل اخلاقی

۱. برخی فضایل اخلاقی، چنان عام و با اهمیت هستند که در اخلاق الهی، فردی، اجتماعی و محیط زیستی مشترک‌اند و فقط متعلق و به تبع آن، قالب و چگونگی اجرای آنها تفاوت می‌کند. از این رو، می‌توان گفت تقوا، امانت‌داری، شکرگزاری، عدالت‌ورزی، اصلاح، اعتدال و میانه‌روی و قناعت، از اهم فضایل «اخلاق محیط زیست اسلامی» است. این فضایل به اقتضای معنا و مفهوم، ویژگی و کارکرد خود، هریک سهم بسزایی در نگه‌داری و محافظت، و حتی رشد و شکوفایی طبیعت و محیط زیست دارند. تقوا<sup>۵۵</sup> و پرواپیشگی سبب می‌شود که انسان در همه حال و همه جا، نه تنها در رفتار و گفتار، که در اندیشه و پندار نیز خالق، مالک هستی و طبیعت را فراموش نسازد و جز به رضایت و اذن او کاری انجام ندهد و در ملک او تصرف نکند. امانت‌داری<sup>۵۶</sup> سبب می‌شود که انسان از

نعمت‌های الهی، از جمله مواهب طبیعت، که به امانت به او سپرده شده، به خوبی حفاظت کند. شکرگزاری<sup>۵۷</sup> موجب می‌شود که انسان از نعمت‌های الهی در مسیر و به گونه‌ای که خداوند برای آنها تعیین نموده بهره بگیرد. این امر سبب می‌شود که به بهترین شکل، نه تنها از منابع و عناصر محیط زیست نگهداری شود که به رشد و شکوفایی آن بینجامد؛ زیرا افزون بر وعده الهی به ازدیاد نعمت در اثر شکرگزاری،<sup>۵۸</sup> عقل و تجربه نیز این مطلب را تأیید می‌کنند. میانه‌روی و عدم اسراف در مصرف و قناعت، یعنی کاهش متعادل مصرف، به روشنی برابری با بقای بیشتر منابع و امکانات طبیعی. اصلاح<sup>۵۹</sup> در زمین و طبیعت در گام نخست، مستلزم از میان بردن همه کج روی‌های رفتاری و تخریبی و فسادانگیز انسانی در طبیعت و محیط زیست، و در گام‌های بعد، کمک به رشد و پرورش منابع و عناصر طبیعی و مفید است.

## ب. احکام

### ۱. آباد ساختن زمین

خداوند متعال، همان‌گونه که زمین و آسمان و آنچه را در آنهاست، مسخر انسان نموده و به امانت در اختیار او نهاده و به او حق بهره‌برداری داده است، مسئولیت حفاظت و نگهداری و آبادانی زمین و طبیعت را نیز برعهده او گذاشته است.

«شما را از زمین پدید آورده است و خواست که آبادانش دارید». (هود: ۶۱)

از این آیه می‌توان دریافت که اولاً، نگهداری و آباد ساختن محیط زیست وظیفه انسان است. هر کاری که با این وظیفه، منافات داشته باشد، نادرست و ممنوع است.<sup>۶۰</sup> ثانیاً، هر چند در این آیه درباره آباد ساختن زمین به انسان امر شده، اما همان‌گونه که در مبانی طبیعت‌شناختی بیان شد، همه اجزای عالم هستی به هم پیوسته‌اند، به گونه‌ای که آبادانی یک جزء یا بخش، بی‌واسطه یا باواسطه به آبادانی سایر اجزا و بخش‌ها و تخریب یک جزء یا بخش، به خرابی و عدم توازن در اجزا و بخش‌های دیگر می‌انجامد. از این رو، می‌توان دریافت که آباد ساختن زمین، مستلزم حفظ و نگهداری و عدم تخریب هوا، فضای نگاه‌دارنده زمین (اتم‌سفر) و هر آن چیزی است که به حفظ و نگهداری زمین کمک می‌کند. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که زمین همچو مادر انسان است. انسان باید از آن به خوبی نگهداری کند: «در نگهداری زمین بکوشید و به آن حرمت نهید که مادر شماست. هر کس بر روی آن کار نیک یا بد انجام دهد، گزارش خواهد کرد».<sup>۶۱</sup>

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در کتاب گران سنگ نهج البلاغه، به پیوستگی و پیوند میان انسان و طبیعت و محیط زیست و مسئولیت انسان نسبت به حفظ و نگه‌داری آنها امر فرموده است: «خدا را واپایید در حق شهرهای او و بندگانش، که شما مسئولید حتی از سرزمین‌ها و چهارپایان».<sup>۶۲</sup>

### ۲. نهی از فساد در زمین

قرآن کریم بارها از فساد در زمین نهی فرموده است: «و چون از نزد تو بازگردد، در زمین فساد کند و کشتزارها و دام‌ها را نابود سازد و خدا فساد را دوست ندارد».<sup>۶۳</sup> (بقره: ۲۰۵)

«بر زمین آن‌گاه که به صلاح آمده است فساد مکنید».<sup>۶۴</sup> (اعراف: ۵۶) نکته قابل تأمل در این آیه، این است که نهی از فساد در زمین مطلق است و اختصاصی به افساد در روابط میان انسان‌ها ندارد. علاوه بر این، افساد در روابط انسانی، به‌طور طبیعی مستلزم یا مربوط به افساد و ویرانگری محیط زیست طبیعی نیز می‌شود. از این‌رو، در آیه ۲۰۵ بقره نابود ساختن کشت و زرع و دام‌ها، از ویژگی و نشانه‌های انسان‌های شریر و افسادکنندگان در زمین دانسته شده است.

### ۳. بهره‌گیری مناسب و معتدل از نعمت‌های طبیعی

قرآن کریم ضمن دعوت انسان به استفاده از مواهب و نعمت‌های طبیعی، نکاتی بسیار مهم را گوشزد می‌فرماید.<sup>۶۳</sup>

۱. آنکه شیء مورد استفاده حلال باشد. «هان! ای مردم، از آنچه در زمین است بخورید در حالی که حلال و طیب باشد و گام‌های شیطان را پیروی مکنید که او شما را دشمنی است آشکار».<sup>۶۴</sup> (بقره: ۱۶۸؛ مائده: ۸۸)

صاحب تفسیر کبیر المیزان، در تفسیر این آیه آورده‌اند که، اکل (خوردن) در این آیه را می‌توان کنایه از مطلق تصرفات دانست. این تصرفات نباید از روی هوا و هوس و پیروی از شیطان باشد.<sup>۶۴</sup>

۲. طیب و پاک باشد. «از آنچه خدا روزی‌تان کرده حلال و پاکیزه بخورید، پس اگر خدا را می‌پرستید نعمت‌هایش را سپاس گزارید».<sup>۶۵</sup> (نحل: ۱۱۴)

۳. به اندازه و به دور از اسراف و تبذیر مصرف شود. «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»؛ «از میوه آن - چون ثمر داد - بخورید و حق آن را روز بهره‌برداری از آن بدهید و زیاده‌روی مکنید».<sup>۶۶</sup> (انعام: ۱۴۱)



#### ۴. تفکر و تأمل در آیات الاهی

بسیاری از آیات قرآن کریم، طبیعت و آنچه را در آن است، از آیات و جلوه‌ها و نشانه‌های خداوند دانسته و از انسان خواسته است تا در آنها تفکر و تأمل کند تا از این راه، با عظمت خالق هستی بیشتر آشنا شود و از طبیعت برای امور گوناگون زندگی خود الهام و الگو بگیرد.<sup>۶۵</sup>

«پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند. در حقیقت، هم اوست که قطعاً زنده‌کننده مردگان است، و اوست که بر هر چیزی تواناست» (روم: ۵۰)؛ «آنان که خدا را ایستاده و نشسته، و به پهلو آرمیده یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند» (آل عمران: ۱۹۱)؛ «در آفرینش خودتان و آنچه از انواع جنبنده‌ها پراکنده می‌گرداند، برای مردمی که یقین دارند نشانه‌هایی است» (جاثیه: ۴)؛ «و نیز در پیایی آمدن شب و روز، و آنچه خدا از روزی از آسمان فرود آورده... برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است» (جاثیه: ۵ و رعد: ۳)

این دسته از آیات قرآن کریم، به خوبی نشان‌دهنده اهمیت طبیعت و پیوستگی آن با انسان است و با تأمل در این دسته از آیات درمی‌یابیم که اولاً، طبیعت نشانه و جلوه رحمت، علم، حکمت، قدرت و سایر صفات کمالیه و جمالیه حضرت حق است. از این رو، عقل، حق عبودیت و حق ادب و سپاسگزاری حکم می‌کنند که از این نعمت‌ها، که جلوه‌ها و نشانه‌های هدایت و رحمت‌اند، خوب نگاه‌داری کنیم. علاوه بر این، اگر بخواهیم از طبیعت الگو و الهام بگیریم، نباید آن را تخریب و نابود سازیم.

#### ج) مصادیق

همان‌گونه که گذشت، در قرآن کریم بارها از زمین و آسمان و هر آنچه در آنهاست، یاد شده و می‌توان گفت که آیات قرآن، همه مصادیق امور طبیعی را فراگرفته است. همچنین به دلیل محدودیت، ما در این قسمت فقط به چند نمونه بااهمیت‌تر اشاره می‌کنیم:

##### ۱. آب

از نگاه قرآن کریم، «آب» منشأ حیات و زندگی است. «و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم» (انبیاء: ۳۰) این تعبیر بسیار زیبا و عمیق قرآن کریم نشان‌دهنده اهمیت و ارزش فوق‌العاده آب است؛ زیرا حیات و زندگی خود امری بسیار ارزشمند است که زمینه رسیدن به هر ارزش والای دیگر را فراهم می‌کند. پس، آب، که منشأ حیات و زندگی است، ارزش مضاعف و مبنایی‌تر دارد.

خداوند متعال در قرآن، آب بهشت را آب غیرآلوده وصف فرموده است: «در آن نهرهایی از آب صاف و خالص است که بدبو نشده». (محمد: ۱۵)

در حدیثی از حضرت رسول خاتم صلی الله علیه و آله آمده است که مردم در سه چیز شریک هستند: آتش، آب و چراگاه.<sup>۶۶</sup> از این مطلب که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آب را حق همگانی دانسته‌اند، به خوبی اهمیت حفاظت و آلوده نساختن، و صرفه جویی و قناعت در مصرف آن روشن می‌شود. در روایات دیگری، آن حضرت «آب را سرور نوشیدنی‌های دنیا و آخرت معرفی فرموده‌اند»<sup>۶۷</sup> و در احادیث بسیاری از آلوده ساختن آب نهی شده است.

## ۲. گیاهان

در قرآن کریم از گیاهان و انواع درختان بسیار صحبت شده<sup>۶۸</sup> و خداوند سبحان به برخی گیاهان سوگند خورده است.<sup>۶۹</sup> بی‌تردید از بارزترین مصادیق آباد ساختن زمین و نگه‌داری از نعمت‌های الهی، کشت و زرع و مراقبت از گیاهان، درختان و کشتزارهاست. در روایات اسلامی نیز درباره گیاهان به دو دسته کلی برمی‌خوریم: دسته نخست، روایاتی است که در آنها بر کشاورزی، درخت‌کاری و آبیاری گیاهان و مراقبت از آنها تأکید شده است. برای نمونه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی فرموده‌اند: «هیچ مسلمانی نیست که درختی بکارد یا بذری بیفشاند و انسان یا پرنده یا حیوانی از آن بخورد؛ مگر آنکه برای آن فرد ثواب و صدقه محسوب می‌شود».<sup>۷۰</sup> در روایتی دیگر، از آن حضرت نقل شده است: «اگر به برپایی قیامت چیزی نمانده باشد و در دست یکی از شما نهالی باشد، در صورتی که بتواند، باید آن را بکارد».<sup>۷۱</sup> همچنین از آن حضرت نقل شده است: «هرکس نهالی بکارد که به ثمر بنشیند، خداوند به مقدار ثمر آن به او پاداش می‌دهد».<sup>۷۲</sup> نیز از آن بزرگوار روایت شده که ثواب آب دادن به گیاه، همانند ثواب آب دادن به انسان مؤمن تشنه است: «مَنْ سَقَى طَلْحَةً أَوْ سِدْرَةً فَكَأَنَّمَا سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظَمًا».<sup>۷۳</sup>

امیرمؤمنان علیه السلام، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرموده‌اند که بهترین مال‌ها کشت و زرع است که انسان خود آن را کاشته و پرورانده و زکاتش را می‌پردازد: قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرْعٌ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ وَأَصْلَحَهُ وَأَدَّى حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ.<sup>۷۴</sup> حضرت امام صادق علیه السلام در روایتی فرمودند که کشاورزی از محبوب‌ترین کارها نزد خداوند است. همه پیامبران الهی کشاورز بوده‌اند، جز حضرت ادریس علیه السلام: «مَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ الزَّرْعَةِ وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَرَعًا إِلَّا إِدْرِيسَ».<sup>۷۵</sup>

دسته دوم روایاتی است که در آنها از آسیب رساندن و از بین بردن گیاهان نهی شده است. برای نمونه، در روایتی امام صادق علیه السلام از قطع درختان نهی فرموده و کیفر چنین کاری را عذاب الهی دانسته‌اند: «لَا تَقْطَعُوا الثَّمَارَ فَيَبْعَثَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْعَذَابَ صَبًّا».<sup>۷۶</sup> حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در فرازی از فرمان خود درباره رفتار سپاهیان اسلام، حتی در سرزمین دشمن، می‌فرماید که از آتش زدن، غرق کردن و قطع و نابود ساختن درختان و کشتزارها باید پرهیز شود: «وَلَا تُحْرِقُوا النَّخْلَ وَلَا تُعْرِقُوهُ بِالْمَاءِ وَلَا تَقْطَعُوا شَجَرَةً مُثْمِرَةً وَلَا تُحْرِقُوا زَرْعًا».<sup>۷۷</sup> در روایتی دیگر، آن حضرت انجام دادن چنین کارهایی را فقط در صورت اضطرار جایز دانسته‌اند: «لَا تَقْطَعُوا شَجَرًا إِلَّا أَنْ تُضْطَرُّوا إِلَيْهَا».<sup>۷۸</sup>

در روایتی از امیر مؤمنان علیه السلام آمده است که، کیفر کسی که بی‌دلیلی موجه چهارپایی را بکشد، یا درختی را قطع کند، یا کشتزاری را تخریب سازد، یا چاه یا نهر آبی را تخریب سازد، جرمه نقدی و شلاق است: «عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَنَّهُ قَضَى فِيمَنْ قَتَلَ دَابَّةً عَبَثًا أَوْ قَطَعَ شَجَرًا أَوْ أَفْسَدَ زَرْعًا أَوْ هَدَمَ بَيْتًا أَوْ عَوَّرَ بئراً أَوْ نَهراً أَنْ يُعْرَمَ قِيمَتَهُ مَا اسْتَهْلَكَ وَأَفْسَدَ وَيُضْرَبَ جَلْدَاتٍ نَكالاً».<sup>۷۹</sup>

### ۳. حیوانات

در قرآن کریم، از حیوانات بسیاری نام برده شده<sup>۸۰</sup> و برخی سوره‌ها به نام حیوانات نام‌گذاری شده است. در برخی آیات، به منافع و فوایدی که بعضی از حیوانات برای انسان دارند، اشاره شده است.<sup>۸۱</sup> در آیاتی دیگر، از انسان خواسته شده است که با تفکر و تأمل در این حیوانات، به عظمت آفریننده آنها بیشتر پی ببرد و از نوع زیست آنها الهام و الگو بگیرد.<sup>۸۲</sup>

در روایات اسلامی نیز از حقوق حیوانات و احکام مربوط به رفتار با آنها بسیار یاد شده است. در این میان، می‌توان به روایات زیر اشاره کرد: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «پشت چهارپایان را نشستگاه قرار مدهید، چه بسیار مرکوبی که از راکب خود بهتر و در مقابل خداوند مطیع‌تر و بیشتر به یاد اوست».<sup>۸۳</sup> در حدیثی مشابه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله افزودند که پشت چهارپایان را به مثابه محلی برای گفت‌وگو قرار ندهید.<sup>۸۴</sup> در حدیثی دیگر، رسول اکرم صلی الله علیه و آله از داغ کردن و ضربه زدن بر چهره چهارپایان نهی فرموده‌اند: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنْ تُوسَمَ الدَّوَابُّ فِي وُجُوهِهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهَا صلی الله علیه و آله وَأَنْ يُضْرَبَ فِي وَجْهِهَا».<sup>۸۵</sup>

روایت شده است که روزی رسول اکرم ﷺ، نظر مبارکشان به شتری که پایش بسته و در زنجیر بود افتاد. درحالی که جهاز آن شتر بر پشتش قرار داشت، پس پیامبر فرمودند: صاحب این شتر کجاست که به او بگویید باید آماده پاسخ‌گویی روز قیامت باشد.<sup>۸۶</sup> از حضرت امیرمؤمنان علیه السلام نیز چنین روایت شده است: پروای خداوند را در اموال و احشامتان (گوسفند، گاو و کبوتر) رعایت کنید.<sup>۸۷</sup>

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که در میان کاروانی از شترها، شتری لنگ را دیدند که تعادلش را از دست داده بود. پس فرمودند: ای جوان با این شتر با مدارا رفتار کن، به درستی خداوند تبارک و تعالی عدل را دوست می‌دارد.<sup>۸۸</sup> همچنین آن حضرت علیه السلام فرمودند: «چهارپا، شش حق بر صاحب خود دارد: اول، بیش از توان چهارپا بر آن بار مگذارد. دوم، از پشت چهارپا به مثابه محلی برای نشستن و گفت‌وگو استفاده نکند. سوم، علوفه آن را همواره به‌هنگام دهد. چهارم و پنجم، به چهره آن داغ و ضربه نزند؛ زیرا چهارپا خدا را ستایش می‌کند. ششم، به هنگام عبور از کنار آب، اجازه دهد که آب بیاشامد.<sup>۸۹</sup> از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که هرکس بی‌دلیلی موجه گنجشکی را بکشد، روز قیامت برانگیخته خواهد شد. درحالی که از عرش چنین ندا می‌رسد: «پروردگارا از این فرد بپرس از چه رو بی‌فایده مرا کشت؟»<sup>۹۰</sup>

### نتیجه‌گیری

مشکلات و بحران‌های زیست‌محیطی در سالیان اخیر، از هر زمان دیگر بیشتر است. عدم پایبندی به قوانین الهی و احکام و فضایل اخلاقی، از مهم‌ترین عوامل پیدایش این مشکلات و بحران‌ها است. محیط زیست انسان، مکان و فضایی است که انسان در آن زندگی می‌کند. از این‌رو، و با توجه به ابعاد وجودی و زیستی انسان، محیط زیست او را می‌توان به اجتماعی - فرهنگی، اخلاقی - تربیتی، حقوقی - سیاسی، دینی - معنوی، و طبیعی تقسیم کرد. محیط زیست طبیعی، مجموعه عوامل و عناصر طبیعی غیرانسانی است که میان آنها و زیست انسان تأثیر و تأثر برقرار است. اخلاق محیط زیست، مجموعه‌ای از احکام و دستورالعمل‌هایی مربوط به رفتار انسان با محیط زیست است. در جهان بینی مادی، که طبیعت و انسان محصول تصادف و بی‌هدف‌اند، انگیزه و دلیلی معقول برای حفظ محیط زیست وجود ندارد. نظریات انسان‌مدار، حیوان‌مدار، زیست‌مدار،

بوم‌مدار و عالم‌مدار، مشهورترین نظریات در باب اخلاق محیط زیست بوده و هریک کاستی‌هایی دارند.

برای تبیین چارچوب نظریه اخلاق زیست محیطی اسلام، باید مهم‌ترین ویژگی‌های انسان و طبیعت و رابطه آنها را از منظر قرآن و روایات شناخت. براساس نظریه اخلاق زیست محیطی اسلام، هرچند از میان مخلوقات، فقط انسان دارای ارزش و شأن اخلاقی است، اما او نسبت به همه طبیعت و مخلوقات، دارای وظیفه و مسئول است. مسئولیت انسان نسبت به طبیعت و محیط زیست، برحسب فضیلت امانت‌داری و جانشینی خداوند در زمین و نیز در قبال حق تصرف و بهره‌برداری از طبیعت است؛ حقی که خداوند به انسان عنایت فرموده است. تقوا، امانت‌داری، شکرگزاری، عدالت‌ورزی، اصلاح، اعتدال و قناعت از اهم فضایل اخلاق زیست محیطی اسلام است. امر به آباد ساختن زمین، بهره‌گیری مناسب و معتدل از نعمت‌های طبیعی و تفکر و تأمل در طبیعت و نهی از فساد و تخریب در زمین، از مهم‌ترین احکام مربوط به رفتار انسان با محیط زیست در قرآن و روایات است. آسمان و زمین و هر آنچه در آن است، به‌ویژه آب‌ها، گیاهان و حیوانات از مصادیق طبیعت هستند که درباره اهمیت و رفتار انسان با آنها در قرآن و روایات اسلامی مطالب فراوانی به چشم می‌خورد.



## پی‌نوشت‌ها

1. Environment.
2. Environmental Ethics.

۳. نحل: ۴؛ دهر: ۲.  
 ۴. حجر: ۲۸ و ۲۹؛ ص: ۷۱ و ۷۲.  
 ۵. انعام: ۱۶۵؛ ملک: ۲.  
 ۶. اعراف: ۴۳؛ ابراهیم: ۱۲؛ بقره: ۲.  
 ۷. محمدتقی مصباح یزدی، انسان‌شناسی در قرآن، ص ۱۲۱-۱۳۱.  
 ۸. همو، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، ص ۳۴۳.  
 ۹. بقره: ۲۹؛ اعراف: ۱۰.  
 ۱۰. هیچ نسلی تاکنون با چنین مجموعه پیچیده‌ای از مشکلات که نیازمند توجه فوری باشد، روبه‌رو نبوده است. ما نخستین نسلی هستیم که باید تصمیم‌هایی تعیین‌کننده اتخاذ کنیم تا سیاره‌ای که به فرزندان ما به ارث می‌رسد، قابل سکونت باشد... زمان آن فرا رسیده که با یکدیگر صلح کنیم، تا بتوانیم با کره زمین صلح کنیم. (لستر. آر. براون و دیگران، جهان در آستانه سال ۲۰۰۰، ترجمه مهرسیما فلسفی، ص ۳۵۸).  
 ۱۱. در سال ۱۹۹۲، کنفرانسی با موضوع محیط زیست و توسعه، معروف به «کنفرانس سران زمین»، در شهر ریودوژانیرو، برگزار شد. شرکت مقامات عالی‌رتبه رسمی ۱۸۱ کشور جهان در این کنفرانس و بیانیه نهایی آن نشان‌دهنده شدت بحران‌های زیست‌محیطی و ضرورت تغییر در رفتار انسان با محیط زیست است. (ر.ک: «فهرستی از فجایع محیط زیست»، تدبیر، شماره ۱۱).

## 12. Utilitarianism

وجه مشترک تقریرهای اومانیسیم، این است که انسان ویژگی‌هایی که دارد موجودی خودمختار و آزاد است و با تکیه بر عقل خود، محور هستی و ملاک ارزش‌هاست. ریشه این تفکر به برخی سلفستایان یونان باستان باز می‌گردد. نقل است که پروتاگوراس، سلفسطی مشهور گفته بود: انسان معیار همه چیزهایی است که وجود دارند و همه چیزهایی که وجود ندارند. (ر.ک: نعمت الله باوند، در اسارت آزادی: مباحثی در باب اومانیسیم غرب و اندیشه ولایت در جهان معاصر).

مکتب اصالت سود یا مطلوبیت (در اقتصاد)، که به گمان بیشتر اقتصاددانان یکی از پایه‌های اساسی علم اقتصاد متعارف است، معتقد است که تنها ملاک ارزش و حتی درستی و نادرستی یک عقیده یا رفتار، سود است. هر چیزی که سودآور باشد، ارزشمند و درست است و هر چه که سودآور نباشد، بی‌ارزش و نادرست است (ر.ک: محمدتقی مصباح یزدی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، ص ۱۶۵، همچنین ر.ک: ریچارد برانت، «اشکال‌های واقعی و ادعایی نظریه سودگرایی»، ارغنون ۱۶). بسیاری از صاحب‌نظران متعهد و واقع‌بین عقیده دارند که مکتب اصالت سود که مبنای اقتصاد متعارف است، موجب معضلات و بحران‌های زیست‌محیطی فراوان شده است (ر.ک: حسین نمازی، نظام‌های اقتصادی).

## 13. Hedonism

نظریات لذت‌گرایانه، هر چند تقریرهای گوناگون دارند، اما وجه مشترک آنها این است که لذت تنها خیر ذاتی و هر چه لذت بیشتر باشد، با ارزش‌تر است. از این رو، در مقام تراحم لذت با هر چیز دیگر این لذت است که مقدم می‌گردد. روشن است که با این مبنا استفاده مسرفانه، غیرمنطقی، نامناسب و تخریب منابع و مواهب طبیعی به شرط آنکه لذت‌آور باشد مجاز است (ر.ک: محمدتقی مصباح، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، ص ۱۰۷).

## 14. Liberalism

اصالت آزادی، که از اصول اساسی و مهم لیبرالیسم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است، بیانگر این نظر است که انسان و انسانیت او در گرو آزادی است. از این رو، آزادی نه ارزشی در طول ارزش‌های الهی و اخلاقی همچون توحید و عدالت که حاکم و مقدم بر آنهاست. ناگفته پیداست که ریشه این نگاه به آزادی اصالت انسان و اصالت فرد (Individualism) است (ر.ک: علی ربانی گلپایگانی، *آزادی از دیدگاه اسلام و لیبرالیسم*).

۱۵. ر.ک: لستر راسل براون، *جهان در آستانه سال ۲۰۰۰*، ترجمه مهرسیما فلسفی.

۱۶. پس از جنگ جهانی دوم به‌ویژه از دهه ۱۹۸۰ به این سو، ده‌ها همایش ملی و بین‌المللی درباره محیط زیست برگزار شده که می‌توان به همایش سانتا‌باربارا و اعلامیه آن در ۱۹۷۰، کنفرانس ریو ۱۹۹۲، کنفرانس بین‌المللی در باب انسان و محیط زیست، کلمبیا، کارتاگینا، سپتامبر ۲۰۰۳، گردهمایی خبرگان حقوق بشر و محیط زیست، ژانویه ۲۰۰۲، کنفرانس محیط زیست و مقولات انسانی، دانشگاه ماساچوست، ۱۴ اکتبر ۲۰۰۷، کنفرانس الزامات جامعه مدنی و حقوق محیط زیست، زیمبابوه، مارس ۲۰۱۰ اشاره کرد.

۱۷. برخی محیط زیست را به دو قسم تقسیم نموده‌اند: محیط زیست طبیعی (Natural Environment) و محیط زیست انسانی (Human Environment). محیط زیست طبیعی آن بخش از محیط زیست است که در تشکیل و تکون آن انسان نقشی نداشته، بلکه از موهبت‌های الهی است. محیط زیست انسانی آن بخش از محیط زیست است که به دست انسان‌ها پدید آمده است (ر.ک: میرعظیم قوام، *حمایت کیفی از محیط زیست*، ص ۵). برخی دیگر از تعارف محیط زیست طبیعی به قرار زیرند:

- محیط زیست مجموعه عوامل بیولوژیکی شیمیایی، طبیعی، جغرافیایی و آب و هوایی است که انسان و محل سکونت او را دربر گرفته است (ممدوح حامد عطیة، *انهم یقتلون البیئة*، ص ۱۷).

- محدوده‌ای که انسان در آن زندگی و فعالیت می‌کند که شامل، زمین، هوا، آب و موجودات زنده و بی‌جان است (همان، ص ۱۸).

- محیط زیست اصطلاحاً به طبیعت و عناصر طبیعی موجود در کره زمین و در مقیاس کوچک‌تر، در محدوده زندگی انسان همچون شهر و روستا اطلاق می‌شود (محمد تقی زاده، «جهان‌بینی و حفاظت از محیط زیست»، *نامه فرهنگ علوم*، ش ۲۲، ص ۱۵۵).

- آنچه پیرامون زیستن را فراگرفته و با آن در فعل و انفعال است (مجموعه قوانین و مقررات محیط زیست ایران).  
- یونسکو محیط زیست را محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان، که بنا بر دانش کنونی بشر همه حیات در آن استمرار دارد، می‌داند (ر.ک: آلکساندر چارلز کیس، *محیط زیست - قوانین و مقررات*، ترجمه محمدحسین حبیبی، ص ۵).

۱۸. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: *جهان‌بینی مادی*، همچنین محمدباقر صدر، *فلسفه ما*، ترجمه و شرح محمدحسین مرعشی شوشتری؛ محمدتقی مصباح، *پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک*.

19. Moral Status.

20. Moral right.

21. anthropocentric, human center.

22. Intrinsic Value.

23. Instrumental Value.

24. Animal Liberation, zoo centrism.

25. Biocentrism, extensionism.

26. Ecocentrism.

27. Universalism.

۲۸. برای آگاهی بیشتر ر.ک:  
J. Baird Callicott, Environmental Ethics, In Encyclopedia of Ethics, second edition, by Lawrence C. Becker and Charlotte. Becker, vo.I. p470-467. Routledge publication, 2001.
۲۹. ر.ک: محمدتقی مصباح، آموزش عقاید، ج ۳، ص ۱۷؛ و نیز همو، انسان‌شناسی در قرآن، ص ۱۷۶-۱۷۷؛ جعفر سبحانی، اصالت روح از نظر قرآن، ص ۹-۵۰.
۳۰. محمدتقی مصباح، انسان‌شناسی در قرآن، ص ۹۳.
۳۱. همان، ص ۱۷۳-۱۷۷.
۳۲. محمدتقی مصباح، معارف قرآن ۳ (انسان‌شناسی)، ص ۳۷۵.
۳۳. همو، انسان‌شناسی در قرآن، ص ۱۰۵-۱۰۷؛ همو، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، ص ۳۲۸-۳۳۳؛ همو، انسان‌سازی در قرآن، ص ۳۱.
۳۴. محمدتقی مصباح، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، ص ۳۴۲.
۳۵. همان.
۳۶. محمدتقی مصباح، انسان‌شناسی در قرآن، ص ۸۶-۸۵.
۳۷. همان، ص ۸۷-۸۹.
۳۸. همان، ص ۱۲۲.
۳۹. همان، ص ۱۳۹.
۴۰. محمدتقی مصباح، نظریه حقوقی اسلام، ص ۵۱-۵۰ و ۶۹.
۴۱. همو، معارف قرآن ۲ (کیهان‌شناسی)، ص ۲۵۳.
۴۲. همان، ص ۲۶۲.
۴۳. همان، ص ۲۲۹.
۴۴. محمدتقی مصباح، نظریه حقوقی اسلام، ص ۵۱-۵۰ و ۶۹.
۴۵. همو، معارف قرآن ۱ (خداشناسی)، ص ۱۷۶.
۴۶. همو، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، ص ۳۲۵-۳۵۷.
۴۷. همان، ص ۹۰.
۴۸. محمدتقی مصباح، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۴۸.
۴۹. همو، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، ص ۳۲۹.
۵۰. قرآن کریم از مکلف و مسئول بودن مخلوقی نامرئی سخن گفته است که ما اطلاع چندانی از او نداریم.
۵۱. محمدتقی مصباح، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۲۱-۴۴.
۵۲. همو، حقوق و سیاست در قرآن، ص ۳۰ و نیز همو، نظریه حقوقی اسلام، ص ۸۰-۸۱.
۵۳. همو، نظریه حقوقی اسلام، ص ۱۱۴-۱۲۲.
۵۴. مؤمن: ۳۴؛ مائده: ۳۳ و ۶۴؛ اسراء: ۲۶ و ۲۷.
۵۵. محمدتقی مصباح، انسان‌سازی در قرآن، ص ۴۱.
۵۶. همان، ص ۳۶۵.
۵۷. همان، ص ۱۶۷.



۵۸. ابراهیم: ۷.
۵۹. محمدتقی مصباح، *انسان‌سازی در قرآن*، ص ۳۵۰.
۶۰. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و همکاران، *تفسیر نمونه*، ج ۱، ص ۲۵۱.
۶۱. *نهج الفصاحة*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱۱۳۰.
۶۲. *نهج البلاغه*، ترجمه سیدجعفر شهیدی، خطبه ۱۶۷، ص ۱۷۴.
۶۳. ر.ک: محمدتقی مصباح، *اخلاق در قرآن*، ج ۲، ص ۱۸۵-۱۹۵.
۶۴. سیدمحمدحسین طباطبائی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، ص ۴۱۷.
۶۵. ر.ک: محمدتقی مصباح، *معارف قرآن ۲ (کیهان‌شناسی)*، ص ۲۲۹.
۶۶. ر.ک: میرزاحسین نوری طبرسی، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۷، ص ۱۱۴، ب ۱، ج ۲.
۶۷. ر.ک: همان، ص ۶، ج ۵.
۶۸. ر.ک: محمدتقی مصباح، *معارف قرآن ۲ (کیهان‌شناسی)*، ص ۲۶۷-۲۷۵.
۶۹. تین: ۱.
۷۰. میرزاحسین نوری طبرسی، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۳، ص ۴۶۰.
۷۱. همان.
۷۲. همان.
۷۳. محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۹، ص ۲۱۲.
۷۴. میرزاحسین نوری طبرسی، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۳، ص ۴۶۰.
۷۵. همان.
۷۶. محمدبن یعقوب کلینی، *کافی*، ج ۵، ص ۲۶۴.
۷۷. همان، ص ۲۹.
۷۸. همان، ص ۲۷.
۷۹. میرزاحسین نوری طبرسی، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۷، ص ۹۵.
۸۰. ر.ک: محمدتقی مصباح، *معارف قرآن ۲ (کیهان‌شناسی)*، ص ۲۷۵-۲۸۳.
۸۱. نحل: ۸.
۸۲. انعام: ۱۴۴.
۸۳. میرزاحسین نوری طبرسی، *مستدرک الوسائل*، ج ۸، ص ۲۵۹.
۸۴. محمدبن یعقوب کلینی، *کافی*، ج ۶، ص ۵۳۹.
۸۵. میرزاحسین نوری طبرسی، *مستدرک الوسائل*، ج ۸، ص ۲۶۱.
۸۶. محمدبن حسن حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۱، ص ۵۴۱.
۸۷. همان، ص ۵۱۸.
۸۸. محمدبن حسن حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۱، ص ۵۴۱.
۸۹. محمدبن یعقوب کلینی، *کافی*، ج ۶، ص ۵۳۷.
۹۰. میرزاحسین نوری طبرسی، *مستدرک الوسائل*، ج ۸، ص ۳۰۳.

## منابع

- نهج الفصاحه، رهنمای انسانیت: کلمات قصار حضرت رسول اکرم ﷺ: سیری دیگر در نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ۱۳۷۹.
- نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
- باوند، نعمت‌الله، در اسارت آزادی، مباحثی در باب اومانیسیم غرب و اندیشه ولایت در جهان معاصر، تهران، کیهان، ۱۳۷۹.
- برانت، ریچارد، «اشکال‌های واقعی و ادعایی نظریه سودگرایی»، ارغنون، ش ۱۶.
- براون، لستر راسل، جهان در آستانه سال ۲۰۰۰، ترجمه مهرسیما فلسفی، تهران، سروش، ۱۳۶۹.
- حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۷ق.
- ربانی گلپایگانی، علی، آزادی از دیدگاه اسلام و لیبرالیسم، قم، مؤسسه آموزشی - پژوهشی مذاهب اسلامی، ۱۳۶۷.
- سبحانی، جعفر، اصالت روح از نظر قرآن، موسسه امام صادق ﷺ، ۱۳۷۷.
- صدر، سیدمحمدباقر، فلسفه ما، ترجمه و شرح محمدحسین مرعشی شوشتری، صدر، ۱۳۷۹.
- طباطبایی سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین بی‌تا.
- قوام میرعظیم، حمایت کیفری از محیط زیست، تهران، سازمان محیط زیست، ۱۳۷۵.
- کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۴۸.
- کیس، آلکساندر چارلز، محیط زیست - قوانین و مقررات، ترجمه محمدحسین حبیبی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- مجلسی محمدباقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.
- نقی‌زاده، محمد، «جهان‌بینی و حفاظت از محیط زیست»، فرهنگ علوم، ش ۲۲.
- مصباح یزدی محمدتقی، پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک، قم، در راه حق، ۱۳۶۱.
- ، آموزش عقاید، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۶۵.
- ، اخلاق در قرآن، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، ۱۳۸۴.
- ، انسان‌شناسی در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، ۱۳۸۸.
- ، خداشناسی در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، ۱۳۸۴.
- ، معارف قرآن (۳-۱)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، ۱۳۸۶.
- ، نظریه حقوقی اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، ۱۳۸۸.
- ، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، ۱۳۸۴.
- ، حقوق و سیاست در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، ۱۳۷۷.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- نوری طبرسی میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل‌البیت ﷺ، لایحه التراث، ۱۴۰۷ق.
- J. Baird Callicott, environmental Ethics, In Encyclopedia of Ethics, second edition, by Lawrence C. Becker and Charlotte. Becker, vol. I. p470-467. Routledge publication, 2001.